



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از عزیزان نوشته ای در مورد بحث عول دارد که در آن عبارتی از شهید اول در لمعه نقل شده که ایشان آب را نیز جزء کسانی که نقص بر او وارد می شود ذکر کرده درحالی که ما گفتیم طبق روایاتمان در حقیقت نقصی بر آب وارد نمی شود زیرا آب فقط در جائی فریضه دارد که میت فرزند داشته باشد که در اینصورت سلس می برد و در غیر از این اصلا فریضه ندارد تا نقص بر او وارد شود بلکه از باقیمانده به او می دهند، **بله اشکال ایشان وارد است و صاحب جواهر و دیگران نیز این اشکال را بر شهید اول وارد کرده اند.**

باز نوشته شده خانمی از دنیا رفته در حالی که دو خواهر ابوینی و دو خواهر اُمی و دو برادر اُبی دارد تقسیم ارث در اینصورت چگونه می باشد؟ باید توجه داشت که هر وقت خواهر و برادر ابوینی در بین باشند دیگر به خواهر یا برادر اُبی ارث نمی رسد ولی کلاله اُمی سهم دارند که اگر یک نفر باشد یک سوم و اگر متعدد باشند یک ششم ارث می برند.

خب و اما بحثمان در تعصیب بود و عرض کردیم که ما شیعیان طبق اخباری که از اهل بیت علیهم السلام داریم قائل به عول و تعصیب نیستیم و صاحب جواهر می فرماید اخبار وارده در باب بطلان عول و تعصیب به حد تواتر رسیده و البته باید توجه داشته باشیم که مراد از تواتر در اینجا تواتر لفظی نیست بلکه مراد تواتر معنوی می باشد یعنی به اندازه ای بطلان عول و تعصیب محرز و مسلم است و با عبارات مختلفی

بطلانش در روایات ذکر شده که به حد تواتر معنوی رسیده.

اخبار عول را از باب ۶ و ۷ از ابواب موجبات الإرث وسائل الشیعة خواندیم و مورد بررسی قرار دادیم و اما اخبار تعصیب نیز در باب ۸ از ابواب موجبات الإرث ذکر شده اند که چند خبر را خواندیم و تمام این اخبار دلالت بر بطلان عول و تعصیب داشتند و مطلب بسیار واضح و روشن است و حتی ائمه علیهم السلام در مواردی برای اثبات بطلان عول و تعصیب صحیفه پیغمبر صلوات الله علیه و آله را به مخالفین ارائه کردند لذا غیر از کلام ائمه علیهم السلام لجاجت و عناد می باشد و صاحب جواهر نیز فرمودند عول و تعصیب تقریباً لجاجت و از شعون غصب خلافت و یک شاخه ای از درخت غصب خلافت می باشد.

شیخ طوسی در جلد ۴ خلاف طبع جدید از صفحه ۴۵ تا صفحه ۵۹ در مورد تعصیب بحث کرده و مثالهای فراوانی زده زیرا عامه خیلی این بحث را طولانی کرده اند، شیخ فروض عامه را ذکر کرده و بعد از آنها جواب داده که مراجعه و مطالعه بفرمائید، حالا ما یک خبر را به عنوان نمونه می خوانیم تا لجاجت آنها مشخص شود، خبر این است: «وباسناده عن ابي طالب الأنباري، عن محمد بن أحمد البريدي، عن بشير بن هارون، عن الحميدي، عن سفیان، عن ابي إسحاق، عن قارية بن مضرب قال: جلست إلى ابن عباس وهو بمكة فقلت: يا ابن عباس حديث يرويه أهل العراق عنك وطاووس مولاك يرويه أن ما أبتقت الفرائض فللأولى عصبية (اشخاص مذکری که از طرف مرد به انسان مربوط هستند) ذکر، فقال: أمن أهل العراق أنت؟ قلت نعم قال: أبلغ من وراك أني أقول:

إن قول الله عز وجل: " آباؤكم وأبناؤكم لا تدرون أيهم أقرب لكم نفعاً فريضة من الله " ، قوله: " وأولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله " ، وهل هذه إلا فريضتان وهل أبقتا شيئاً، ما قلت هذا ولا طاووس يرويه علي، قال قارية بن مضرب: فلقيت طاووساً فقال: لا والله ما رويت هذا علي ابن عباس قط وإنما الشيطان ألقاه علي ألسنتهم قال سفيان: أراه من قبل ابنه عبد الله بن طاووس فإنه كان علي خاتم سليمان بن عبد الملك وكان يحمل علي هؤلاء حملاً شديداً يعني بني هاشم.<sup>۱</sup>

بنابراین مسئله عول و تعصیب زائیده ی لجاجت و عناد و تعصب عامه نسبت به اهل بیت علیهم السلام می باشد لذا هر قدر که اهل بیت علیهم السلام از قران و صحیفه فرائض استدلال می کردند عامه لجاجت می کردند و قبول نمی کردند از این جهت مطلب برای ما روشن می باشد. بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
مُحَمَّد و آلِهِ الطاهِرین

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۳۲، ابواب موجبات الارث، باب ۸، حدیث ۴، ط الاسلامیة.